

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۱/۱۰

آیا فرقه ای به نام «وهابیت» وجود خارجی دارد؟

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا علی گفتیم و می‌گوییم باز

گویمت این نکته پر رمز و راز

هرکه گردد یاور میر عرب

هست بی‌شک در دو عالم سرفراز

«الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا أمير المؤمنين و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)»

سلام و درود به پیشگاه مهربان و باصفای شما بینندگان «شبکه جهانی ولایت»؛ خانم‌ها و آقایان محترم و همچنین برادران و خواهران ایمانی خودم. هرکجای ایران اسلامی که هستید و همچنین فراتر از این مرزها هرکجای کره خاکی که نگاه مهربانتان را با برنامه زنده «حبل المتین» همراه کردید، بهترین‌ها را برای شما آرزومندم.

ان‌شاءالله که زندگی‌تان پر از نور و معنویت و آرامش باشد و زیر سایه حضرت مرتضی علی (سلام الله علیه) دلتان خوش باشد.

امشب هم به خانه‌های شما آمدیم تا برنامه زنده «حبل المتین» را تقدیمتان کنیم. برنامه ما زنده است و خیلی خوشحال می‌شویم که حرف‌های شما را دریافت کنیم و نظرات شما را بشنویم.

مثل همیشه از عشق و ارادت و محبتتان به ساحت آقا جانمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برایمان بگویید تا دل و جگرمان خنک شود.

راه‌های ارتباطی که برای شما زیرنویس شده است بهترین راه ارتباط با ماست. سامانه پیام کوتاه «۳۰۰۰۱۲۰۳» که در ذهن شریفتان هست.

این سامانه را بنده به این جهت تکرار می‌کنم که گاهی اوقات در میان دوستان خوب بیننده «شبکه جهانی ولایت» عزیزانی روشن دل وجود دارند.

من چقدر لذت می‌برم و خوشحال می‌شوم و افتخار می‌کنم که گاهی بینندگان روشن دل با گوششان می‌شنوند و با چشم دل برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» را همراهی می‌کنند.

این عزیزان به ما می‌گویند که لطف بفرمایید راه‌های ارتباطی را علاوه بر زیرنویس کردن اعلام کنید تا ما اگر خواستیم تماس بگیریم یا پیام ارسال کنیم، راه‌های ارتباطی را بدانیم.

به روی چشم!! «۳۰۰۰۱۲۰۳» شماره پیام کوتاه ماست؛ همچنین شماره فضای مجازی ما «۰۰۹۸۹۳۰۸۷۶۸۰۰۴» است که در اختیار شما قرار گرفته شده تا از طریق برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر با ما ارتباط برقرار کنید.

شماره‌هایی که خدمت شما عرض کردم، پل ارتباطی ما و شماست. ان شاء الله که پیام‌های پر از دلدادگی شما به ساحت آقا جانمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حیدر کرار به دست ما برسد.

همچنین می‌توانید در خصوص موضوع برنامه نکاتتان را برای ما ارسال کنید؛ با افتخار پذیرا هستیم. ببینیم که اولین چراغ پیام برنامه امشب را کدام عزیز بیننده روشن می‌کند.

آقای روح الله موسوی هم در اتاق فرمان آماده و مسلط است تا ببیند که اولین پیام از طرف کدام عزیز به برنامه زنده «حبل المتین» ارسال می‌شود تا برای ما ارسال کند و ما هم برای شما قرائت خواهم کرد.

خدا را شکر امشب هم توفیق داریم در محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. استاد سلام علیکم و رحمة الله:

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را امشب هم مهمان کانون گرم و باصفای خانواده نازنیشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلامم را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم.

خدا را به حق امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سوگند می‌دهم فرج مولای ما حضرت بقية الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نزدیک نموده و همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و از سربازان مخلص و فداکار آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم رفع گرفتاری از همه بنماید، حوائج همه را برآورده سازد، دعاهاى همه ما به اجابت مقرون کند؛ ان شاء الله.

### مجری:

استاد خیلی ممنونم، بزرگواری فرمودید. طبق گزارشی که به دست من رسید، اولین پیام را عزیزی فرستادند که نام زیبایشان علی است.

آقای علی همدانی نژاد از کرمان اولین پیام را برای ما فرستادند. نفر دوم آقای شریفی از ماسال و نفر سوم هم آقای محمد و رضا دو برادر از بینندگان همیشگی «شبکه جهانی ولایت» از دهکویه لارستان برای ما فرستادند.

این سه عزیز رتبه اول تا سوم را کسب کردند در میان بینندگان که همین ابتدا لطف کردند و برای ما پیام فرستادند؛ از این بزرگواران ممنون و سپاسگذارم.

البته این عزیزان لطف و عنایت نسبت به «شبکه جهانی ولایت» هم داشتند و نام حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را در پیامشان آوردند که از ایشان ممنون و سپاسگذاریم.

جناب استاد یکی از فرقه‌های ساختگی که بعضی افراد منکر آن هستند، وهابیت است که عده‌ای ادعا می‌کنند فرقه‌ای به نام «وهابیت» وجود ندارد.

ساختگی از این جهت که این افراد از دایره اسلام خارج هستند و نباید خود را مسلمان بدانند، والا وهابیت از قبل بوده و هست و همچنین تفکرات و اندیشه‌های بسیار تکفیری و تندی دارند.

گاهی اوقات بینندگان فریب خورده شبکه‌های شیطانی وهابی اصلاً منکر وجود وهابیت می‌شوند و ادعا می‌کنند که چنین فرقه‌ای وجود ندارد. ما برای اینکه این ادعا را نقض کنیم، می‌خواهیم ببینیم بزرگان وهابی خودشان وهابی بودن خود را پذیرفتند یا خیر؟!

### انکار فرقه وهابیت از سوی شبکه‌های شیطانی وهابی

#### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

همان طور که حضرتعالی اشاره فرمودید، بعضی از بینندگان عزیز ما که فریب خورده هستند ادعا می‌کنند

که اصلاً وهابی وجود ندارد و اصلاً وهابی چه کسی است!!

همچنین در شبکه‌های شیطانی وهابی مرتباً تبلیغ می‌کنند که اصلاً وهابیتی وجود ندارد و وهابیت را شیعیان و دشمنان ما ساخته‌اند.

سؤالی که حضرتعالی امشب بیان کردید، سؤال زیبایی بود و باید بگوییم سؤال بجایی بود. وهابیت در برنامه‌هایی که امروزه دارند، اهل سنت و شیعیان را مشرک می‌کنند.

همان‌طور که در کتاب «مولوی عبدالرحمن سربازی» هم بیان شده بود و نقل کردیم، ایشان می‌گویند: "شیعیان ناراحت نشوند که وهابیت آن‌ها را مشرک خطاب می‌کنند، زیرا به ما اهل سنت هم مشرک می‌گویند!!"

این عبارت ایشان خیلی جالب بود و به گمانم یک عبارت تاریخی بود و کلمات قصاری بود که از ایشان نقل شده بود. ما همچنین مطالبی از «ملاً محمد عمر سربازی» و دیگران در رابطه با وهابیت آوردیم.

گاهی اوقات در بعضی از شبکه‌های شیطانی برنامه‌هایی تحت عنوان «امامان وهابی شیعه» برگزار می‌شود که خیلی جالب است!! این عنوان همانند این است که نام شیطان را به «فرشتگان شیطانی ابلیسی» بگذارند!!

به جهت اینکه مقداری برای عزیزان شیعه و اهل سنت روشن شود مطالبی بیان می‌کنم. ما دلمان برای عزیزانی که فریب وهابیت را خورده‌اند می‌سوزد، زیرا آن‌ها ناآگاه و بی‌اطلاع هستند و از بسیاری قضایا بی‌خبر هستند.

این افراد یا اهل مطالعه نیستند و یا اینکه کتاب و مصادر در اختیار آن‌ها نیست. گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم بعضی از عزیزان به قدری صفای باطنی روشن و مشخصی دارند که انسان واقعاً به صفا و اخلاص آن‌ها غبطه می‌خورد.

متأسفانه این عزیزان بر اثر ناآگاهی حرف‌های پر زرق و برقی از وهابیت می‌شوند که در کنار آن چند آیه قرآن و چند حدیث قرار دارد و تصور می‌کنند که اسلام واقعی همین است.

زمانی که با این افراد صحبت می‌کنیم و روشن می‌شوند، واقعاً با تمام وجود تنفرشان را از وهابیت اعلام می‌کنند. بنده عرض کردم از یک سال گذشته تا کنون «شبکه جهانی ولایت» در نیجریه با زبان «هوسا» پخش می‌شود.

دوستان ما «شبکه جهانی ولایت» را به یکی از ائمه جمعه و جماعت یکی از شهرهای نیجریه که هر شب علیه شیعه صحبت می‌کرد معرفی کردند و به او گفتند: «شبکه جهانی ولایت» به زبان هوسا برنامه پخش می‌کند، این شبکه را نگاه کنید و برایمان نقد کنید.

این شخص بعد از اینکه چند هفته «شبکه جهانی ولایت» را مشاهده می‌کند صد و هشتاد درجه تغییر پیدا می‌کند و شروع می‌کند هر شب علیه وهابیت صحبت می‌کند.

مشخص است که این شخص انسان سالمی است و فطرت پاکی دارد، اما بر اثر عدم آگاهی به حقایق و همچنین تبلیغات مسموم وهابیت و عربستان سعودی به این راه کشیده شده است.

مفتیان عربستان سعودی در دو دهه هشتاد و هفت میلیارد دلار هزینه کرده‌اند که رقم بسیار هنگفتی است. همچنین رئیس پلیس امارات، این شخص دیوانه، گفته بود ما بیست و اندی میلیون دلار هزینه صرف می‌کنیم تا مذهب شیعیان را به اهل سنت تغییر دهیم. اگر لازم ببینیم کلیپ حرف‌های این شخص را پخش خواهیم کرد.

این موارد نشانگر این است که بعضی افراد ناآگاه هستند. همچنین از طرف ما هم مقداری کوتاهی صورت می‌گیرد، زیرا ما حقایق را بی‌پرده و روشن برای این افراد مطرح نمی‌کنیم.

بنده از بینندگان عزیز مخصوصاً شیعیانی که در خارج از کشور هستند یا عزیزان اهل سنت که در خارج یا داخل کشور در استان‌های سنی نشین بیننده برنامه ما هستند، تقاضا دارم بحث‌های ما را مشاهده کنند.

ما تلاش می‌کنیم این مطالب را با تمام صفحاتی که نشان می‌دهیم، روی سایت قرار بدهیم و دوستان ما این مطالب را به صورت کلیپ در فضای مجازی منتشر کنند تا بدین وسیله مردم روشن شوند.

بنده در ابتدا در جواب آقایانی که ادعا می‌کنند اصلاً فرقه وهابیت وجود ندارد، بگویم کتاب «فتاوی نور علی الدرب» اثر «عبدالعزیز بن عبدالله بن باز» مفتی اعظم عربستان سعودی که در سال ۱۴۲۰ هجری از دنیا رفته است، مطلبی وارد شده است.

در این کتاب از او سؤال می‌کنند:

«فضيلة الشيخ، يسمى بعض الناس عندنا العلماء في المملكة العربية السعودية بالوهابية فهل ترضون بهذه التسمية؟ وما هو الرد على من يسميكم بهذا الاسم؟»

بعضی افراد علمای ما را در عربستان سعودی وهابی می‌نامند. آیا شما از واژه وهابی راضی هستید، یا نه؟

عزیز اهل سنت که فریب وهابیت را خوردید، دقت کنید که این مطالب حرف «بن باز» است و حرف من نیست. او می‌گوید:

«هذا لقب مشهور لعلماء التوحيد علماء نجد»

این لقب مشهور علمای توحید علمای نجد است.

«ينسبونهم إلى الشيخ الإمام محمد بن عبد الوهاب رحمة الله عليه»

همه این افراد به شیخ امام محمد بن عبدالوهاب منسوب هستند.

حال دوستان ما روی این مسئله کار می‌کنند که مراد از علمای توحید چه کسانی است. ایشان در ادامه می‌گویند:

«فصارت دعوته تجديدية إسلامية عظيمة، نفع الله بها المسلمين في الجزيرة العربية وفي غيرها رحمه

الله رحمة واسعة»

دعوت «محمد بن عبدالوهاب» یک دعوت تجدید اسلامیة عظیم بوده است که خداوند عالم به سبب او

مسلمانان را در جزیره العرب به رحمت و اسعه رسانده است.

شما باید «رحمة واسعة» را بردارید و به جای آن «جناية عظيمة و جريمة عميقة» بگذارید. جنایات این افراد

قلب هر انسانی را به درد می آورد. ما عبارات اهل سنت در مورد این افراد را در داخل کشور آوردیم و در خارج از

کشور هم خواهیم آورد. بعد می گوید:

«وصار أتباعه ومن دعا بدعوته ونشأ على هذه الدعوة في نجد يسمي بالوهابي»

تمام پیروان محمد بن عبدالوهاب و کسانی که سخنان او را می گیرند و مردم را به طرف او دعوت

می کنند، وهابی نام دارند.

«وكان هذا اللقب علما لكل من دعا إلى توحيد الله»

این لقب وهابی علمی است برای تمام کسانی که مردم را به توحید خدا دعوت می کنند.

منظور این افراد همان خدایی است که ریش ندارد و تا الآن هم ریش در نیاورده است. این افراد معتقدند که

خداوند از هر نظر کامل است؛ با این حساب حتماً ریش داشتن در خداوند نشانه نقص خداوند است.

این افراد خودشان به اندازه نیم متر ریش می گذارند، اما به خدا که می رسند ادعا می کنند که خدا ریش ندارد و

هنوز ریش در نیاورده است.

خدای وهابیت خدایی که سوار الاغ می شود و به مردم سر می زند، خدایی است که در ثلثی از شب به زمین سر

می زند و احوال بندگان خود را می پرسد، خدایی است که مریض می شود و ملائکه ها به عیادتش می روند!!



آن‌ها همچنین معتقدند که خدا می‌تواند سنگی بیافریند که نتواند بلند کند، خدا می‌تواند هزاران خدا همانند خود را بیافریند!! این در حالی است که قرآن کریم می‌فرماید:

(لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا)

اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدای یکتا بود تباه می‌شدند.

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۲۲

من نمی‌دانم اگر هزاران خدا آفریده شود و هزار و یک خدا وجود داشته باشد، چه می‌شود؟! در این صورت بر سر مسائلی مانند طلوع آفتاب و غیره میان خدایان اختلاف ایجاد خواهد شد.

«وكان هذا اللقب علما لكل من دعا إلى توحيد الله، ونهى عن الشرك وعن التعلق بأهل القبور»

این لقب علم است برای کسانی که دعوت به توحید الله می‌کنند، همچنین از شرک و تعلق به اهل قبور نهی می‌کنند.

«وسمی وهابیا»

این افراد را وهابی می‌خوانند.

«فهو لقب شريف عظيم يدل على أن من لقب به فهو من أهل التوحيد»

لقب وهابی لقب شریف و عظیم و بابرکتی است و به هرکسی وهابی بگویند به معنای این است که او موحد است.

بنده نمی‌دانم عزیزانی که روی خط «شبکه جهانی ولایت» می‌آیند و ادعا می‌کنند که اصلاً وهابی وجود ندارد، آیا این مطالب را دیدند یا نه!؟

ما از این آقایان سؤال می‌کنیم: شما که ادعا می‌کنید وهابی وجود ندارد، آیا شما راست می‌گویید یا «بن باز» راست می‌گویید؟! آیا «بن باز» که این حرف را زده معصوم است، یا اینکه او را تخطئه می‌کنید و تنها شما معصوم هستید؟!

همچنین در صفحه ۲۱ می‌گوید:

«فصار أتباع هذه الدعوة ومن يدعون إلى توحيد الله من علماء التوحيد من علماء نجد وغيرهم يلقبون بالوهابية، فهو لقب معروف شريف وليس بمستنكر»

اصلاً کسی انکار نمی‌کند که وهابیت بد است، زیرا وهابی لقب شریفی است و ما به هیچ وجه آن را انکار نمی‌کنیم.

«فهو لقب أهل التوحيد والإيمان، من أهل الدعوة إلى الله عز وجل»

این لقب اهل توحید و ایمان و اهل دعوت الی الله است.

فتاوی نور علی الدرب، المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ۱۴۲۰ هـ)، اعتنى به: أبو محمد عبد الله بن محمد بن أحمد الطيار - أبو عبد الله محمد بن موسى الموسى، مصدر الكتاب: موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۱، ص ۱۹-۲۱، باب دعوة الإمام محمد بن عبد الوهاب رحمه الله إلى التوحيد

همچنین می‌توانید در اینترنت «موقع بن باز» که سایت «بن باز» است را سرچ کنید و وارد «موقع رسمی سماحة الشيخ عبدالعزيز بن باز» شوید. در این سایت می‌گوید:

«الوهابية هم اتباع الشيخ امام محمد بن عبد الوهاب»

سپس در ادامه می‌گوید که این مذهب وهابی است و همچنین بیان می‌کنند که در کتاب «الدرر السنية» تمام این مطالب را بیان می‌کند. همچنین در ادامه می‌نویسد:

«بل الوهابية تدعون الى دين الرسول»

وهابيت مردم را به دين پيغمبر اكرم دعوت مي‌کنند.

این مطالب خیلی واضح و روشن است. همچنین مشاهده کنید آقای دکتر «خلیل هرّاس» که از علمای بزرگ وهابی است، کتابی تحت عنوان «الحركة الوهابية رد على مقال لمحمد البهي في نقد الوهابية» نوشته است که در صفحه ۳۳ این کتاب می‌گوید:

«وأما وثنية الأحياء من أصحاب النفوذ والسلطان، فلا وجود لها بحمد الله في ظلال الوهابية»

اما بت پرستی زندگان و کسانی که صاحبان نفوذ سلاطین را به عنوان بت می‌پرستند، در سایه وهابیت در عربستان سعودی بت پرستی احيای وجود ندارد.

به عبارت دیگر آن‌ها احياء و زندگان را همانند بت نمی‌پرستند. زمانی که «ملک فهد» از دنیا رفت، بنده در مکه بودم و مرتب شبکه‌های عربستان سعودی را می‌دیدیم که «ملک عبدالله» ایستاده است و مردم عبا، دست و شانه او را می‌بوسیدند و در برابر او تعظیم می‌کردند.

بنده اتفاقاً در آن زمان به چند تن از آمرین بالمنکر و ناهین از معروف که مردم را حین بوسیدن پرده کعبه می‌زدند، گفتم: چطور شد که بوسیدن پرده کعبه شرک است، اما بوسیدن عباي آقای «ملک عبدالله» شرک نیست؟! بزرگان، اعظم و مفتیان شما عباي «ملک عبدالله» را می‌بوسند که الآن هم دارند آن را پخش می‌کنند.

شبکه‌های عربستان سعودی مراسم بیعت را حدود دو هفته مرتباً پخش می‌کردند که بزرگان عربستان کسانی که نسبت نزدیکی داشتند عباى او را می‌بوسیدند، کسانی که مقداری دورتر بودند شانه او را می‌بوسیدند و مابقی هم عباى او را می‌بوسیدند.

چطور بوسیدن عباى «ملک عبدالله» و بعد از او «ملک سلمان» که فتنه عالم اسلام و جانی‌ترین شخص که روی «حجاج بن یوسف ثقفی» را سفید کرده است عین توحید است، اما بوسیدن پرده کعبه شرک است؟!

### مجری:

استاد در شهرهای دیگر مجسمه‌ای شبیه کارتن درست کرده بودند و کسانی که به «ملک عبدالله» دسترسی نداشتند با این مجسمه بیعت می‌کردند که تصاویر آن منتشر شد.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یک بت از او درست کرده بودند که مصداق اتم بت احیاء بود. جالب این است که آقای «خلیل هراس» می‌گوید:

«لأنها تحارب كل أشكال الوثنية، لا فرق عندها بين وثنية الأحياء ووثنية الأموات»

در سایه وهابیت چنین چیزی نداریم و فرقی میان بت پرستی زندگان و بت پرستی مردگان وجود ندارد.

«ولهذا تعيش الدولة السعودية آلتى تدين بالوهابية»

به همین خاطر دولت سعودی که دینش دین وهابی است،

«فى ظل ديمقراطية حقة»

در سایه دمکراتی واقعی و حق زندگی می‌کند!

الحركة الوهابية (رد على مقال لمحمد البهي في نقد الوهابية)، المؤلف: محمد بن خليل حسن هراس  
(المتوفى: ١٣٩٥ هـ)، المحقق: أحمد بن عبد العزيز بن محمد بن عبد الله التويجري، الناشر: دار السنة،

الطبعة: الأولى ١٤٢٨ هـ - ١٤٢٨ هـ، ج ١، ص ٣٣، باب وثنية الأموات ووثنية الأحياء

به گمانم اگر بخواهند جوک قرن بیست و یکم را معرفی کنند، همین است که ادعا می‌کنند دولت عربستان سعودی که دین وهابیت دارد در سایه دمکراتی واقعی و حق قرار دارد!!

این در حالی است که در عربستان سعودی هنوز زنان حق رأی دادن و رانندگی ندارند. جالب این است که «بن باز» و دیگران معتقدند که اعتقاد به دمکراتی کفر است، اما این شخص ادعا می‌کند که در وهابیت دمکراتی حقه وجود دارد!!

در حال حاضر جنایاتی که این افراد نسبت به شیعیان یا اهل سنت در بحرین که دولت آن نوکر بی‌مزد عربستان سعودی و آمریکاست را مشاهده کنید.

در تهران توالت یکی از منازلی که اهل سنت در آن نماز می‌خواندند را خراب کردند و دیدید که وهابیت چه غوغایی در دنیا به راه انداختند که جمهوری اسلامی مسجد اهل سنت را در تهران خراب کردند!!

شما که ادعا می‌کردید اهل سنت مسجد ندارند، چطور می‌گویید که مسجد را خراب کردند؟! این قضیه تا جایی پیش رفت که ائمه جمعه وهابیت بیانیه صادر کردند و قرار بود راهپیمایی کنند.

وهابیت در شبکه‌های شیطانی خود بولدوزرها و ون‌هایی را به نمایش گذاشتند و مانور می‌دادند و به مردم گفتند: مردم مشاهده کنید این بولدوزرهای جمهوری اسلامی ایران و ون‌های نیروی انتظامی است که در حال خراب کردن مسجد اهل سنت هستند.

ما در جواب این اقدام وهابیت برنامه‌ای تحت عنوان «از هیاهو تا واقعیت» گذاشتیم و سوزنی به توپ این افراد زدیم تا بادش خالی شود!!

ما در این برنامه بیان کردیم که بولدوزرها و ون‌هایی که این ساختمان را خراب می‌کنند، متعلق به صهیونیست و اسرائیل است و این قضیه مربوط به چند سال قبل است که در یکی از روستاهای فلسطین این جنایت را مرتکب شدند.

پس از انتشار این برنامه آن دسته از علمای اهل سنت داخل کشور که فریب وهابیت را خورده بودند متوجه شدند و این ماجرا خاتمه پیدا کرد.

### مجری:

استاد اخیراً در سیستان و بلوچستان سیل آمده بود، اما یک عده از دشمنان در فضای مجازی تصویری را مربوط به افغانستان منتشر کرده بودند که ماشینی داشت به داخل آب می‌افتاد و ملت هم به تماشا ایستاده بودند و ادعا کردند که تصویر سیستان و بلوچستان است.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حتماً ادعا کردند که جمهوری اسلامی ایران عامل ایجاد سیل است. زمانی که این اتفاق در تهران رخ دهد، ادعا می‌کنند که به دلیل اینکه مردم تهران برای اهل سنت مسجد درست نکردند، آه مردم اهل سنت دامن مردم تهران را گرفت!!

زمانی که ساختمان ۱۷ طبقه فروریخت، عده‌ای از ائمه جمعه وهابیت ادعا کردند که دلیل اینکه در تهران گناه و معصیت زیاد است و اهل سنت آزادی ندارند این اتفاقات رخ داده است.

آیا در سیستان و بلوچستان هم به دلیل کثرت گناه سیل به راه افتاد؟! تمام این اتفاقات به دستور خداوند عالم است. سیل یک مرتبه در سیستان و بلوچستان رخ می‌دهد، یک مرتبه در استان گلستان رخ می‌دهد و یک مرتبه در اهواز رخ می‌دهد.

این مسائل همگی به دستور خداوند عالم است و این شماتت‌ها همگی بیانگر این است که این افراد اصلاً از معارف دینی و اسلامی بی‌خبر هستند.

البته ما از اینکه عزیزانمان در سیستان و بلوچستان متضرر شدند متأسف هستیم و از خداوند عالم می‌خواهیم به حق محمد و آل محمد مشکلاتشان را برطرف نماید و انتظار داریم که سریعاً امکانات کافی در اختیار کسانی که در سیل اخیر در سیستان و بلوچستان متضرر شدند قرار بگیرد و به زندگی عادی برگردند.

ما خود را با این عزیزان همدرد می‌دادیم و از این اتفاق متأثر و ناراحتیم و از خداوند عالم بهبودی زندگی این عزیزان را خواهیم. دولت و مسئولین در حد توان خود تلاش می‌کنند تا زندگی به حالت عادی برگردد.

از طرف دیگر به دلیل اینکه چندین سال در این مناطق بارندگی صورت نگرفته بود، بسیاری از شهرها با مشکل شدید آب مواجه شده بودند. این مسئله موجب این شد که هرچند عده کمی متضرر شدند، اما عده زیادی به برکت این باران به نان و نوایی رسیدند. عده مردم از این قضیه خوشحال بودند. آیا وهابیت این عده را به خاطر خوشحالی شماتت می‌کنند؟!

در هر صورت؛ علامه شیخ «احمد بن حجر» با مقدمه «بن باز» کتابی تحت عنوان «محمد بن عبد الوهاب عقیده السلفية ودعوته الإصلاحية» دارد که می‌گوید:

« وأن يوجهها إلى أطراف الجزيرة لتنشر الوهابية»

در اطراف جزیره العرب وهابیت را منتشر می‌کنند.

سپس می‌نویسد:

«فأعلنت نجد عليهم حروباً دامية كان هدفها الإصلاح على أساس المذهب الوهابي»

هدف دولت عربستان سعودی اصلاح جامعه اسلامی براساس مذهب وهابی است.

محمد بن عبد الوهاب عقیدته السلفية ودعوته الإصلاحية وثناء العلماء عليه، المؤلف: أحمد بن حجر بن

محمد بن حجر بن أحمد بن طامی بن حجر بن سند بن سعدون آل بوطامی البنعلی (المتوفی):

۱۴۲۳ هـ)، الناشر: مطبعة الحكومة بمكة المكرمة، الطبعة: ۱۳۹۵ هـ/ ۱۹۷۵ م، ج ۱، ص ۱۰۴

اگر وهابی نیست و وجود ندارد، این افراد غلط می‌کنند که بگویند ما می‌خواهیم براساس مذهب وهابی

اصلاح‌گری کنیم!! این افراد کتاب‌های مختلفی تحت عنوان «الوهابیون و الحجاز» به قلم «محمد رشید رضا»

نوشتند. وهابیت به هرکسی ایراد بگیرند، به «محمد رشید رضا» نمی‌توانند ایراد بگیرند!

همچنین کتاب دیگری تحت عنوان «السنة و الشيعة أو الوهابية و الرفضة» اثر «السید امام محمد رشید رضا»

وجود دارد که در این کتاب هم کاملاً بحث وهابیت مطرح شده است.

همچنین دکتر «محمد کامل ظاهر» در کتاب مفصلی تحت عنوان «الدعوة الوهابية و اثرها فی الفكر الإسلامی

الحديث» در این زمینه مطالبی بیان کرده است.

همچنین جناب آقای «حسن بن علی سقاف» از علمای بزرگ اردن در کتابی به نام «السلفية الوهابية افكارها

الأساسية و جذورها التاريخية» نوشته است.

بنابراین اینکه آقایان می‌گویند وهابیتی وجود ندارد، حرف‌های بیهوده‌ای است. این در حالی است که سران

وهابی به وهابیت خود افتخار می‌کنند. «بن باز» می‌گوید: "این لقب، لقب شریف و عظیم و مبارکی است."



وهابیت امروزه مشاهده می‌کنند که در طول تاریخ چه جنایاتی مرتکب شدند و نمی‌توانند منکر این جنایات شوند. ما جنایات وهابیت را در دوره اول از سال ۱۱۵۷ تا ۱۲۳۳ مفصل بیان خواهیم کرد.

ما نمی‌خواستیم وارد این مباحث شویم، اما حال که وهابیت خود وارد این مباحث شدند بشنوند و مردم هم ببینند این افراد چه جنایاتی مرتکب شدند.

همچنین در دوره دوم از سال ۱۳۴۴ که پدر وهابیت «عبدالعزیز» روی کار آمد و جنایات بزرگی را به دستور دولت بریتانیا و انگلیس انجام داد. او همچنین به دولت بریتانیا تعهد داد مبنی بر اینکه ما اسرائیل را به رسمیت می‌شناسیم و تمام توانمان را برای حفظ امنیت اسرائیل به کار خواهیم بست. ما ان‌شاءالله این مطالب را به طور مفصل بیان می‌کنیم و مدارک آن را مفصل عرض خواهیم کرد. من در خدمت شما هستم.

### بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:

#### مجری:

استاد خیلی متشکرم. من نگاهی به پیام‌ها داشته باشم و ان‌شاءالله سؤال بعدی که در همین زمینه است را خدمت شما مطرح خواهم کرد.

آقا مجتبی از شهرکرد، آقای محمد ولی از شیراز و آقای ابراهیم از بیرجند عزیزانی هستند که لطف کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقای محمد هادی همدانی نژاد گفتند: "پدر بزرگوارشان فردا عمل جراحی قلب دارند، برایشان دعا کنید؛ حتماً دوستان خوب بیننده برای ایشان دعا می‌کنند."

آقای عباس جعفری از شهرک اندیشه بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

برخی از عزیزان برای ما پیام فرستادند و اسم و فامیلی خود را نگفتند.

آقای سعید شیردل از تهران برای ما پیام فرستادند که از ایشان ممنون هستیم.

آقا بهرام از تهران بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقای قباد زاده از اردبیل و آقا رضا از علی آباد عزیزان دیگری هستند که برای ما پیام فرستادند و از ایشان ممنون و سپاسگذار هستیم.

برخی از دوستان پیام فرستادند اما اسمشان را نگفتند.

آقای اعظمیان پیام دادند که از ایشان ممنون هستیم.

آقای احمد جاوید از استان بوشهر بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقای قاسمی از نقده برای ما پیام فرستادند که از ایشان هم سپاسگذار هستیم.

از آقا روح الله از گرگان تشکر می‌کنم.

آقای شهاب الدین غلامی از پرند برای ما پیام فرستادند.

بنده تنها جهت احترام برخی از اسامی را می‌خوانم، زیرا پیام‌ها زیاد است و نمی‌شود تمام اسامی را ذکر کرد.

عزیزی که نام زیبایشان غلام‌علی است و به این نام زیبایشان افتخار کردند برای ما پیام فرستادند.

آقای سید کمال از قم برای ما پیام فرستادند که از ایشان هم ممنونیم.

آقای حمید از اهواز بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقای محسن لوابی از مشهد مقدس شهر امام رضا برای ما پیام فرستادند.

آقای عباسیان از خمینی شهر برای ما پیام فرستادند.

برخی از دوستان نکاتی را ذکر کردند، بعضی از دوستان شعر فرستادند و برخی هم نسبت به «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین» لطف و مرحمت داشتند.

آقایان محمد ولی از شیراز، عبداللهی از هندیجان و حسین آقا از کرج برای ما پیام فرستادند.

آقای احمد محمودی از فرانکفورت برای ما شعری فرستادند که اگر فرصت شد شعر ایشان را خواهم خواند.

خیلی ممنونم از این همه لطف و بزرگواری و مهربانی که نسبت به شبکه خودتان «شبکه جهانی ولایت» دارید.

با افتخار عرض می‌کنم که همه ما زیر سایه مرتضی علی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هستیم و شبکه‌ای که به نام آن بزرگوار است و می‌دانم شما هم از روی ذوق و شوق و عشقی که به مولا دارید با ما در ارتباطید و برنامه‌های ما را همراهی می‌فرمایید.

استاد یکی از نکاتی که می‌خواهیم به آن بپردازیم و جزو سؤالات من بود که یادداشت کرده بودم تا خدمت شما عرض کنم، این است که در زمان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) گروهی به عنوان خوارج بودند که جنایات زیادی مرتکب شدند و در مقابل آن حضرت ایستادند.

بنده می‌خواهم آن زمان را به این زمان پیوند بزنم. اینکه برخی از علمای بزرگ اهل سنت اعتقادشان بر این است که وهابیت دوران ما همانند خوارج دوران امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هستند؛ مدارک فرمایشات این علما را بیان بفرمایید تا دوستان در این زمینه هم بر اطلاعاتشان افزوده شود.

**وهابیت مصداق بارز خوارج عصر حاضر!!**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما در جلسه قبل هم نکاتی را از جناب مولانا «عبدالرحمن سربازی» آوردیم. ایشان هم در

فرمایشاتشان به سخنان جناب آقای «ابن عابدین» اشاره کرده بودند. کتاب «رد المحتار علی الدر المختار»

نوشته آقای «ابن عابدین» است. کتاب «در المختار» اثر آقای «حصفکی» است و کتاب «رد المحتار» در حقیقت اثر «محمد امین بن عمر عابدین» معروف به «ابن عابدین» است که متوفای ۱۲۵۲ است.

این کتاب اهدای صاحب سمو الملکی الأمير «ولید بن طلال بن عبدالعزیز آل سعود» است. نویسنده در جلد چهارم این کتاب زمانی که به خوارج می‌رسد، می‌گوید:

### «مطلب فی اتباع عبد الوهاب»

البته آقایان معتقدند که در بعضی از چاپ‌ها «محمد بن عبدالوهاب» آورده شده است، اما در این چاپ «محمد بن» حذف شده است و «عبدالوهاب» وارد شده است.

ما قبلاً این مطالب را از علمای اهل سنت داخل کشور خواندیم و بعضی‌ها معتقدند ایشان به نام «عبدالوهاب» مشهور بوده است. اتباع «عبدالوهاب» که خوارج زمان ما هستند.

### «الخوارج فی زماننا قوله (ویکفرون أصحاب نبینا)»

خوارج زمان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اصحاب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و در رأس آنها امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را تکفیر می‌کردند. ایشان در ادامه می‌گویند:

«هو بیان لمن خرجوا علی سیدنا علی رضی الله تعالی عنه وإلا فیکفی فیهم اعتقادهم کفر من خرجوا علیه»

اعتقاد این افراد مبنی بر کفر کسانی بود که بر آنها خروج می‌کردند.

«كما وقع فی زماننا فی اتباع عبد الوهاب الذین خرجوا من نجد»

همان‌طور که در زمان ما در پیروان محمد بن عبدالوهاب از نجد خارج شدند.

در زمان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) این افراد کسانی بودند که در برابر حضرت خروج کردند. در زمان ما تعدادی از پیروان «محمد بن عبدالوهاب» از نجد اطراف ریاض خروج کردند؛

«وتغلبوا علی الحرمین»

به زور بر مکه و مدینه مسلط شدند.

«وکانوا ینتحلون مذهب الحنابلة»

این افراد به ظاهر می‌گفتند ما حنبلی مذهب هستیم.

ما ان شاء الله بیانات شیخ الأزهر را نشان خواهیم داد که ایشان به صراحت می‌گویند: "وهابی‌ها مذهب حنبلی را نجس کردند." «ابن عابدین» در ادامه می‌نویسد:

«لکنهم اعتقدوا أنهم هم المسلمون»

آن‌ها اعتقاد داشتند که فقط خودشان مسلمان هستند.

این مطالب حرف ما نیست، بلکه آقای ابن عابدین می‌گویند: "پیروان «محمد بن عبدالوهاب» تنها خود را مسلمان می‌دانستند و کسانی که مخالف اعتقادشان بودند را مشرک می‌دانستند."

«قتل أهل السنة وقتل علمائهم»

آن‌ها با این مبنای غلط کشتار اهل سنت و علمای اهل سنت را مباح می‌دانستند.

حاشیه رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه أبو حنیفة، ابن عابدین، الناشر دار الفکر للطباعة والنشر، سنة النشر ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، مکان النشر بیروت، ج ۴، ص ۲۶۲، باب مطلب فی اتباع

عبد الوهاب الخوارج فی زماننا

این عبارت «**واستباحوا بذلک قتل أهل السنة**» راست است یا دروغ است؟! اگر دروغ است آیا حاضرید «ابن عابدین» را که از اعظم فقهای احناف است و تمام حنفی مذهبها به جناب «ابن عابدین» اعتقاد ویژه‌ای دارند، متهم به کذب کنید؟!

بنده گمان نمی‌کنم در استان‌های سنی نشین ما کتابخانه‌ای باشد که کتاب «حاشیه ابن عابدین» در آنجا نباشد!! یکی از کتبی که در غالب منازل و کتابخانه‌های خصوصی علمای اهل سنت که ما در آنجا رفتیم وجود دارد، همین کتاب «حاشیه ابن عابدین» است.

ایشان می‌گویند: اتباع «محمد بن عبدالوهاب» خودشان را مسلمان می‌دانستند و مخالفین اعتقادشان را مشرک می‌دانستند. مخالفین اعتقادشان شیعیان بودند؟! او نسبت به این افراد «**واستباحوا بذلک**» را به کار برده است و بیان می‌کند که آن‌ها کشتار اهل سنت و علمای اهل سنت را مباح می‌دانستند.

مشاهده کنید وهابیت در سال ۱۲۱۸ قصد داشتند مکه را تصرف کنند و تعداد بسیار زیادی از علمای اهل سنت را قتل عام کردند. «سعود بن عبد العزیز» رسماً اعلام کرد: مادامی که این علمای شرک اهل سنت در کشور ما هستند، پیروزی برای ما امکان پذیر نیست.

ما ان شاء الله در بحث جنایات وهابیت این مطالب را تک تک می‌آوریم که چقدر از علمای اهل سنت را در سال ۱۲۱۸ قتل عام کردند. در طائف اصلاً شیعه‌ای در کار نبود و همه اهل سنت بودند؛ وهابیت زن و مرد و پیر و جوان را قتل عام کردند تا جایی که به تعبیر بزرگان:

«**كانوا يذبون الطفل في حضان امه**»

طفل شیرخواره را در دامن مادر سر می‌بریدند.

این مطالب شیعیان نیست و هیچکسی هم ادعا نکرده است که در طائف آن روز شیعه بوده است. همچنین جناب آقای دکتر «طیب» شیخ الأزهر در سایت خود در مورد وهابیت می‌نویسد:

«وأن السلفيين الجدد هم خوارج العصر»

سلفی‌های جدید خوارج عصر ما هستند.

منظور دکتر «طیب» سلفی‌هایی هستند که در عربستان سعودی ادعا می‌کنند ما وهابی نیستیم، بلکه سلفی هستیم.

«ان جمهور المسلمین لم یكونوا علی هذا المذهب»

جمهور مسلمین بر مذهب خوارج نبودند.

این افراد عمدتاً مالکی، مالکی، حنفی و حنبله بودند. ایشان در ادامه می‌گویند: یقین بدانید که این افراد هیچ ارتباطی به امام «احمد بن حنبل» ندارند؛

«ولکنهم نجسوا و غیروا هذا المذهب»

آن‌ها مذهب احمد بن حنبل را تغییر دادند و نجس کردند.

کارشناسان شبکه‌های شیطانی که اینطور ادعا می‌کنند، جواب این افراد را بدهند. ما نمی‌خواستیم بحث به اینجا برسد، اما قول می‌دهیم چندین هفته مرتب همین بحث را ادامه بدهیم.

ما سعی می‌کنیم اقوال بزرگان اهل سنت نسبت به وهابیت و «محمد بن عبدالوهاب» و «ابن تیمیه» را مطرح کنیم و همچنین کفر، نفاق و ضلالت «ابن تیمیه» را به اثبات برسانیم.

این مطالب به گونه ای نیست که عده کمی آن را بیان کرده باشند، بلکه طبق نظر صدها نفر از بزرگان معاصر و علمای بزرگوار اهل سنت داخل و خارج کشور؛ وهابیت یک فرقه گمراه، پست و رذل است که غیر از خودشان احدی را مسلمان نمی‌دانند و قتل همه را واجب می‌دانند.

همچنین در سایت «حركة التوحيد الإسلامی» همین تعبیر وارد شده است و می‌گوید:

«و أن السلفیین الجدد هم خوارج العصر، وفقا لصحيفة الأهرام»

«أهرام مصریه» صحبت‌های جناب آقای دکتر «طیب» را آورده است. همچنین در سایت الأزهر به نشانی [www.azahara.net](http://www.azahara.net) وارد شده است:

«أكد الإمام الأكبر الدكتور أحمد طیب أن عقيدة الأزهر الشريف هی عقيدة الأشعری و الماتریذی»

در این سایت وارد شده است که عقیده الأزهر عقیده اشعری است؛ این در حالی است که این شخص ادعا می‌کند که هرکسی بگوید من شافعی و اشعری هستم، ما معتقد به مرتد بودن او هستیم!!  
از ایشان سؤال می‌شود که از کجا دانستید اکثریت اهل سنت اشعری هستند؟! او می‌گوید: تعدادی افراد صوفی مخالف ما هستند.

کسانی که امروزه اهل سنت را همانند شیعیان کافر می‌دانند، دقت کنند که در سایت پرسمان دانشجویی، ادیان و مذاهب وارد شده است: در حال حاضر نزدیک به ۳۷۰ میلیون صوفی اهل سنت و ۲۰ میلیون صوفی شیعه در جهان اسلام وجود دارد!!

به بیان بهتر ۳۷۰ میلیون اهل سنت به دلیل اینکه صوفی هستند، همگی کافر، مشرک و مهدور الدم هستند!!

بنده از عزیزان واحد تحقیقات تقاضا دارم مناظره‌ای که در ماه مبارک رمضان چندین سال قبل در «شبکه المستقله» میان وهابیت و صوفی‌های الأزهر صورت گرفت را روی سایت بگذارند.



صوفی‌های الأزهر بلایی به سر وهابیت آوردند که آن‌ها فرار را بر قرار ترجیح دادند و مفتضح شدند. دو جلسه مناظره غوغایی میان اهل سنت و وهابیت صورت گرفت.

یکی از مناظرات میان صوفی‌های مصر و الأزهر برگزار شد و در دیگری میان آقای «سقاف» با یکی از سرکردگان وهابی صورت گرفت که آبرو و حیثیتی برای آن‌ها نگذاشتند.

این مناظره در حالی بود که دو طرف معتقد به خلافت ابوبکر، عمر و عثمان بودند و هر دو طرف ادعای سنی بودن می‌کردند. دوستان عزیز ما ۳۷۰ میلیون سنی صوفی داریم.

شاید در همین بحثی که برادر عزیزم جناب آقای «یزدانی» دارد نظرات «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» نسبت به کفر و مهدور الدم بودن صوفیه را مطرح کنند؛ ان شاء الله عزیزان مباحث ایشان را پیگیری کنند.

بنده باید جمله‌ای بگویم که خیلی جالب است. وهابیت همه را کافر، مشرک و مهدور الدم می‌دانند؛ درحالی‌که شیعیان و صوفیان اهل سنت توسل را جایز می‌دانند.

مشاهده کنید که مذهب فقهی اهل سنت شافعی است و نزدیک ۳۵۰ میلیون مسلمان از این مذهب پیروی می‌کنند. همچنین ۴۵۰ میلیون نفر از مذهب حنفی پیروی می‌کنند.

یکی از علمای بزرگ سیستان و بلوچستان تشریف آورده بود و می‌گفت: من هفتصد مورد تضاد عقاید و فقه حنفی با وهابیت را ثبت کردم.

ایشان در ادامه می‌گوید: یکی از مذاهب، شیعه امامیه است که نزدیک ۳۰۰ میلیون از مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهد. جالب است که می‌گوید: در جهان اسلام ۴۵۰ میلیون نفر اشعری وجود دارد.

این در حالی است که «ابن تیمیه» به صراحت می‌گوید: "هرکسی بگوید من در فقه شافعی هستم و در کلام اشعری هستم، ما معتقد به ارتداد این شخص هستیم." کارشناسان وهابی باید به این مطالب پاسخ بدهند، زیرا نمونه‌های مختلفی از این سایت‌ها وجود دارد.

در هر صورت؛ شیخ الأزهر می‌گوید: "مذهب علمای اهل سنت مصر اشعری است." جناب آقای «علامه صاوی» در کتاب حاشیه خود بر «تفسیر جلالین» که در فرمایشات «ملاً محمد عمر سربازی» و «عبدالرحمن سربازی» بود، می‌گوید: ما نظائر خوارج را مشاهده می‌کنیم؛

«فرقة بأرض الحجاز»

دسته‌ای در سرزمین حجاز هستند.

«يقال لهم الوهابية»

به آن‌ها وهابی می‌گویند.

«يحسبون انهم على شيء»

آن‌ها خود را آدم حساب می‌کنند.

«الا انهم هم الكاذبون»

این افراد همگی دروغ می‌گویند.

«استحوذ عليهم الشيطان»

شیطان بر آن‌ها غالب شده است.

«فانساهم ذكر الله»

سپس می‌گوید:

### «اولئک حزب الشیطان»

وهابیت همگی حزب شیطان هستند.

حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین؛ العلامة الشیخ احمد بن محمد الصاوی المصری المالکی؛ ضبطه و

صححه: محمد عبدالسلام شاهین؛ دارالکتب العلمیه، بیروت؛ ج ۵، ص ۷۷

آقای «علامه صاوی» که علمای بزرگوار اهل سنت داخل کشور هم از ایشان تجلیل زیادی کردند، معتقد است که وهابیت همگی حزب شیطان هستند.

بنده به بینندگان عزیز بشارت می‌دهم که در آینده بسیار نزدیک در «شبکه جهانی ولایت» به جای «برنامه چالش» یا در خلال «برنامه چالش» برنامه‌ای پیرامون موضوع «امامان شیعه و شیاطین وهابیت» خواهیم داشت.

مردم می‌توانند در این برنامه سخنان ائمه اهل بیت (علیهم السلام) و امامان شیعه را با شیاطین وهابیت مقایسه کنند. البته کاملاً مشخص است که قابل مقایسه نیستند، اما برای اینکه مطلب روشن شود چنین مقایسه‌ای انجام می‌شود.

ما این افراد را اصلاً آدم حساب نکرده و نمی‌کنیم و گفتیم: جواب ابلهان خاموشی است، اما می‌بینیم که این شیاطین ظاهراً دست بردار نیستند. ما باید به حول قوه الهی یک بلایی به سر این افراد بیاوریم که فضاحت آن تا ابد الدهر و حتی بعد از مرگشان برای این افراد باقی بماند.

حال بنده نمی‌دانم که دوستان اسم برنامه را چه چیزی خواهند گذاشت، اما قرار است که محتویات برنامه «امامان شیعه و شیاطین وهابیت» باشد. جناب آقای «صاوی» هم این افراد را «حزب الشیطان» می‌خواند.

«ابن تیمیه» می‌گوید: "گاهی اوقات شیطان در قالب و صورت من درمی‌آید و مردم را گمراه می‌کند." ما که می‌گوییم این افراد «ائمه شیطان» یا «حزب شیطان» هستند بی‌مورد نیست.

آقای «محمد بن فیروز» که از پیروان «ابن تیمیه» است، می‌گوید: "نطفه ایشان از شیطان منعقد شده است." به حول قوه الهی و با توکل بر خداوند عالم و استعانت از ساحت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) ما این بحث را دنبال خواهیم کرد.

همچنین جناب آقای «عبدالله قحطانی» که یکی از علمای بزرگوار اهل سنت است، می‌نویسد:

«حتى طالعا ابن عبد الوهاب يشير إلى رسول الله بكل قلة أدب بكلمة (طارش!)»

ما وقتی افکار «محمد بن عبد الوهاب» را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که با کمال بی‌ادبی از نبی گرامی اسلام به «طارش» تعبیر می‌کند.

منظور او این است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) یک نامه رسان یا مستخدمی بیش نبوده است.

«و يستحل هو و أهلها إلى اليوم دماء الموحدين»

محمد بن عبد الوهاب و تابعین او تا امروز خون موحدين را مباح می‌دانند.

«لأنهم أهل الشرك في زعمهم»

به گمان آنها تمام موحدين مشرک هستند.

«و ما يقولونه اليوم في الأشاعة و الإباضية و الزيدية و الجعفرية و غيرهم من أهل الإسلام خير دليل

على أنهم خوارج العصر»

حرف‌هایی که امروزه در اشاعره، اباضیه، زیدیه، جعفریه و دیگران می‌زنند بهترین دلیل است بر اینکه این افراد خوارج عصر ما هستند.

همچنین جناب آقای «عبادی» که از علمای بزرگ اهل سنت هست که از ایشان به علامه تعبیر می‌کنند، کتابی فقهی به نام «حواشی شروانی و ابن قاسم عبادی» دارد که در جلد چهارم در رابطه با توسل به نبی مکرم می‌نویسد:

زمانی که «عبدالله بن عمر» از مسافرت می‌آمد، قبل از اینکه به منزل برود به مسجد می‌رفت و می‌گفت:

«السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا ابا بكر السلام عليك يا ائمة ثم يرجع إلى موقفه الاول قبالة وجهه (ص) ويتوسل به في حق نفسه وليستشفع به إلى ربه ثم يستقبل القبلة ويدعو لنفسه ولمن شاء من المسلمين»

سپس ایشان در رابطه با اینکه زیارت چیست و اینکه بعضی افراد زیارت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را واجب می‌دانند و ما هم گفتیم، مطالبی بیان می‌کنند.

همچنین می‌گوید: کسی که در این رابطه با ما منازعه کند، گمراه و گمراه‌گر است. سپس ایشان می‌گوید:

«(والمنازع الخ) وهو ابن تيمية ومن تبعه من الفرقة الضالة المشهورة في زمننا بالوهابية خذلهم الله تعالى»

مراد از منازع ابن تیمیه و اتباع او از فرقه گمراه است که در زمان ما به وهابیه هستند و خداوند آن‌ها را ذلیل کند.

حواشی الشروانی والعبادی، المؤلف: عبد الحميد المكي الشرواني (المتوفى: ۱۳۰۱ هـ) و أحمد بن قاسم

العبادی (المتوفى: ۹۹۲ هـ)، [الكتاب حاشية على تحفة المحتاج بشرح المنهاج لابن حجر الهيتمي

(المتوفى: ٩٧٤ هـ) الذى شرح فيه المنهاج للنووى (المتوفى: ٦٧٦ هـ)، ج ٤، ص ١٤٤ و ١٤٥، باب

#### الجزء ٤

در نهایت مطلبی از جناب آقای «دکتر احمد الکیسی» نقل شده است. ایشان رئیس بخش شریعت دانشکده حقوق دانشگاه بغداد و همچنین رئیس بخش دراسات علیاء یعنی دکترا در دانشگاه اسلامی است.

ایشان همچنین رئیس دراسات اسلامیة در دانشگاه امارات و یکی از مؤسسين این دانشگاه است. او عضو مجلس اعلا در دانشگاه مدینه منوره و رئیس جمعیت علمای عراق است و رئیس حرکت وطنی عراقیه که یک حزبی سیاسی است، می باشد.

ایشان در سایت خود در مورد داعش مطالبی می آورد و می نویسد:

«داعش فلیسمعنی هذا الكلب ابن الكلب. ابوبکر البغدادی قاتل الحسین أشرف منه»

تمام مردم بشنوند فرمانده داعش این سگ پسر سگ یعنی ابوبکر بغدادی کسی است که قاتل امام حسین بر او شرافت دارد.

«هذا عمیل یهود و لیس أكثر»

او جیره خوار یهود است، نه بیشتر.

«والله داعش و ماعش و حتی محمد بن عبدالوهاب ابو الوهابیة صنیعة یهودیة مائة فی المائة ودعهم

یقتلوننی إذا أرادوا»

به خدا سوگند داعش و ماعش و پدر وهابیت محمد بن عبدالوهاب صد درصد ساخته و پرداخته یهود

است. بگذارید من را در برابر این حرف بکشند.

«أنا مسؤول عن هذا الكلام أمام رب العالمين... والله حركة يهودية مرتبة تريبا لتمزيق الأمة و قد مزقتها»

من در قیامت نزد خداوند عالم در برابر سخنی که می‌گویم مسئول هستم. به خدا سوگند حرکت یهودیه وهابیت برای نابودی امت اسلامی بنیان گذاری شده است.

کارشناسان وهابی ادعا می‌کنند کسانی که بر ضد «محمد بن عبدالوهاب» حرف می‌زنند، همانند شما هستند. آیا شیخ الأزهر هم همانند ماست؟! آیا «ابن عابدین» همانند ماست؟! آیا آقای «قحطانی» همانند ماست؟! آیا آقایان «صاوی»، «مالکی» و «کبیری» همانند ما هستند؟! مشاهده کنید کاملاً واضح و روشن است که این افراد بزرگان اهل سنت هستند و در میان اهل سنت دارای جایگاه بالا و والایی برخوردار هستند.

زمانی که این افراد نسبت به وهابیت و «محمد بن عبدالوهاب» این‌طور تعبیر سنگین و تندی به کار می‌برند و بیان می‌کنند: "من در برابر خداوند عالم نسبت به سختم مسئول هستم"، وهابیت چه جوابی برای گفتن دارند؟!

**مجری:**

خیلی عالی، استاد از شما ممنونم. ان شاءالله ما هفته آینده هم این بحث را ادامه خواهیم داد.

لازم به ذکر است پیشگویی‌هایی که اهل سنت نسبت به وهابیت داشتند یکی از مواردی است که مورد بحث و گفتگوی ما با حضرت استاد در هفته‌های آینده خواهد بود. قرار است به اتاق فرمان برویم و میان برنامه‌ای ببینیم تا حال و هوای دلمان علوی شود.

**بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:**

از آقای شفيعی که برای ما پیام دادند تشکر می‌کنم.

آقای جلیلی از روستای گوراب ملایر برای ما پیام دادند که از ایشان هم ممنونیم.

آقا هادی از مشهد مقدس و همچنین عزیزان دیگری هم لطف کردند و برای ما پیام فرستادند.

آقای رشیدی شیعه مستبصر از کردستان گفتند: سلامٌ علیکم و رحمة الله. فقط خواستم یک سلام و تشکر عرض کنم و برای همه شما دعای خیر کنم.

از تک تک شما عزیزانی که «شبکه جهانی ولایت» را همراهی می‌کنید و برنامه زنده «حبل المتین» را تماشا می‌کنید، ممنونیم. بهترین‌ها را برای شما آرزو می‌کنم. یک میان برنامه زیبا و دلنشین ببینیم تا جگرمان خنک شود، بعد برگردیم و به تلفن‌های شما عزیزان پاسخ دهیم.

چقدر لذت بردیم زمانی که مدح و منقبت مولا حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و این اشعاری که پیوند را میان شیعیان و محبان حضرت برقرار می‌کند و گره می‌زند را شنیدیم.

همان‌طور که در این مدح هم گفته شد، ما برده‌ای بی‌قیمت، ناچیز و بی‌ارزش بودیم. زمانی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عشق و ارادت و محبت خود را در دل ما گذاشت تازه ارزش و قیمت پیدا کردیم و از بردگی خارج شدیم.

ان‌شاءالله این عشق و ارادت و محبت همیشه در دل‌های ما باشد. اگر روز قیامت گفته شد که شیعه نیستیم، حداقل ائمه طاهرین (علیهم السلام) بگویند که او محب، خریدار و ارادتمند ما بود. ان‌شاءالله همین نعمت برای ما تا روز قیامت باقی بماند.

الهی شکر، الهی شکر، الهی شکر به واسطه این عشق، ارادت، محبت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که در دل‌های ما هست.

**تماس بینندگان برنامه:**



می‌خواهیم تلفن‌های دوستان را داشته باشیم. البته همچنان پیامک‌ها هم به دست من می‌رسد. ان‌شاءالله سعی می‌کنم از تلفن‌ها و پیامک‌ها استفاده کنم و سؤالات را محضر استاد مطرح کنم و جواب سؤالات را دریافت کنیم.

به دلیل اینکه زمان ما محدود است لطف کنید تلفن‌ها مختصر و مفید باشد تا بتوانیم تلفن‌های بیشتری داشته باشیم.

آقای احمدی از کردستان یکی از برادران اهل سنت ما هستند. آقای احمدی سلام به شما، شب شما بخیر:

**بیننده (آقای احمدی از کردستان - اهل سنت):**

سلام علیکم و رحمة الله. من هم حضور آقای اسماعیلی و استاد محترم حاج آقا قزوینی سلام عرض می‌نمایم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله.

**مجری:**

متشکرم، بفرمایید.

**بیننده:**

من سؤالی از حضور آیت الله قزوینی داشتم. حضرت آیت الله ما رهبر بزرگواری داریم؛ یکی از فرمایشات مقام معظم رهبری این است که می‌گویند: هرکسی توهین کند چه اهل سنت باشد و چه اهل تشیع باشد، منافق است.

حضرتعالی هم چندین مورد فرمودید که توهین کردن به بزرگان اهل سنت گناهی نابخشودنی است. همچنین آیت الله العظمی سیستانی فرمودند که اهل سنت را برادران اهل خطاب نکنید، بلکه عزیزان اهل سنت خطاب کنید.

من به برنامه‌های حضرتعالی علاقه خاصی دارم. شما در یکی از برنامه‌های خود در این مورد صحبت می‌کردید که به کتابخانه‌های اهل سنت بروید و ببینید که «ابن تیمیه» در خصوص امامان اهل سنت بیان کرده است که امامان مذاهب اهل سنت زندق و منافق هستند!!

اگر کسی مثلاً بیاید و من به حضرتعالی حرفی بزنم که این دروغ باشد، آیا این تهمت نیست؟! آیا این تهمت به اهل سنت نیست؟! من اقرار می‌کنم که اهل سنت هستم، اما شما گفتید: «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبویة» خود گفته است که امامان ما زندق و منافق هستند!!"

اگر این نقل قول حقیقت نداشته باشد چه اتفاقی می‌افتد؟! اگر به عنوان مثال من به شما تهمت زده باشم، آیا گناهکار هستم؟!

**مجری:**

آقای احمدی استاد کتاب را نشان دادند.

**بیننده:**

کتاب را بیاورند من در خدمت هستم. مسئله این است که این مسئله اصلاً مربوط به امامان اهل سنت نیست. من شافعی مذهب یکی از مذاهب اهل سنت هستم، اگر کسی به امامان من زندق و منافق بگوید خیلی ناراحت می‌شوم.

**مجری:**

آقای احمدی این حرف را «ابن تیمیه» زده است.

**بیننده:**

چشم، این عبارت را از کتاب ایشان بیاورید و به ما نشان بدهید تا ما در خصوص آن صحبت کنیم.

**مجری:**

یعنی شما قبلاً برنامه ما را ندیدید که استاد توضیح دادند؟!

**بیننده:**

دیدم، اما این نبوده است. من به استاد ارادت خاصی دارم، اما وقتی که به کتاب مراجعه کردم اینطوری نبوده است.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقای احمدی بزرگوار در کتاب «مجموع فتاوی» اثر «ابن تیمیه» جلد بیست و دوم صفحه ۲۴۸ وارد شده است:

«وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِمَّنْ يَتَعَصَّبُ لِوَاحِدٍ مُّعَيَّنٍ غَيْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

كَمَنْ يَتَعَصَّبُ لِمَالِكٍ أَوْ الشَّافِعِيِّ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ أَبِي حَنِيفَةَ»

کسی که نسبت به مالک یا شافعی یا احمد یا ابوحنیفه تعصب به خرج می‌دهد.

«وَيَرَى أَنَّ قَوْلَ هَذَا الْمُعَيَّنِ هُوَ الصَّوَابُ الَّذِي يَتَّبِعُهُ ذُنُوقُ قَوْلِ الْإِمَامِ الَّذِي خَالَفَهُ»

حضرتعالی در حال حاضر شافعی هستید، نظر شما نسبت به «امام شافعی» چیست؟!

**بیننده:**

نسبت به ایشان نظر مثبتی دارم.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شما در حال حاضر می‌گویید که ما از «امام شافعی» تبعیت می‌کنیم، نه «امام ابوحنیفه».

بیننده:

معمولاً امامان این چهار مذهب تاج سر ما هستند.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شما معتقدید که آنچه برای تبعیت برای ما شایسته است مذهب «امام شافعی» است و دیگران را تکذیب نمی‌کنید.

بیننده:

بله مقلد ایشان هستم.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای احمدی شما مقلد «امام شافعی» هستید و مقلد «ابوحنیفه» نیستید.

بیننده:

او هم تاج سر ماست.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اما شما از فتاوی «امام شافعی» تبعیت می‌کنید. در این بیان وارد شده است که اگر کسی بگوید من از «امام شافعی» تبعیت می‌کنم؛

«فَمَنْ فَعَلَ هَذَا كَانَ جَاهِلًا ضَالًّا»

چنین شخصی جاهل و گمراه است.

«بَلْ قَدْ يَكُونُ كَافِرًا»

بلکه کافر است.

«فَإِنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَسْتَتَابَ فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ»

واجب است این شخص توبه داده شود، اگر توبه نکند کشته شود.

مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)،

المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة

النبوية، المملكة العربية السعودية، ج ۲۲، ص ۲۴۸ و ۲۴۹

بیننده:

استاد من «ابن تیمیه» را تأیید نکردم، من می‌گویم توهینی که به ما شده است یا توسط «ابن تیمیه» شده است و یا توسط حضرتعالی صورت گرفته است. ما که از «ابن تیمیه» دفاع نکردم و تنها از «امام شافعی» دفاع کردم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای احمدی شما پرسیدید که آیا «ابن تیمیه» به امامان ما اهانت کرده است، یا نه؟! من هم آوردم. ایشان به صراحت می‌گویند: هرکسی بگوید که من از «امام شافعی» یا «ابوحنیفه» یا «مالک» یا «احمد» تبعیت می‌کنم، این شخص جاهل و گمراه و کافر است.

**پیننده:**

من آن صفحه را عرض کردم و شما گفتید که اول برو آن صفحه را نگاه کن.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اجازه بدهید اول این مسئله برای شما روشن بشود. آقای احمدی آیا «ابن تیمیه» در این روایت فتوا به قتل اهل سنت داده است یا نه؟!

**پیننده:**

جواب من این نیست، من گفتم آن صفحه را بیاورید. شما جواب من را بدهید من آن صفحه را هم بررسی می‌کنم و زنگ می‌زنم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

الآن جواب من را بدهید.

**پیننده:**

من جواب این مطلب را ندارم، من عرض کردم که جواب آن حرف شما را می‌خواهم. اگر جواب من را نمی‌دهید من قطع می‌کنم. من صحبت از حرفی دیگر دارم.

**مجری:**

آقای احمدی ما نمی دانیم سؤال شما چیست.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقای احمدی «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد ششم ابتدا بحث شیعه را مطرح می کند و می نویسد:

«بِخِلَافِ الرَّافِضَةِ، فَإِنَّ رُءُوسَهُمْ كَانُوا كَذَلِكَ، مَعَ أَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ لَيْسُوا مُنَافِقِينَ وَلَا كَفَّارًا، بَلْ بَغَضُهُمْ لَهُ إِيْمَانٌ وَعَمَلٌ صَالِحٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ مُخْطِئٌ يَعْفَرُ لَهُ خَطَايَاهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ صَاحِبٌ ذَنْبٍ يَرْجَى لَهُ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ، لَكِنَّ الْجَهْلَ بِمَعْنَى الْقُرْآنِ وَالْحَدِيثِ»

در این مطلب وارد شده است:

«رُءُوسُ الْمَذَاهِبِ الَّتِي ابْتَدَعُوهَا»

سرکردگان مذاهبی که این مذهبها را بدعت گذاری کردند.

منهاج السنة النبویة، المؤلف: تقی الدین أحمد بن عبد الحلیم ابن تیمیة الحرانی الحنبلی الدمشقی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)، المحقق: محمد رشاد سالم، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية،

الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۶، ص ۳۰۲

رئیس مذاهب چه کسانی هستند؟! آیا منظور او شیعیان است؟!!

**بیننده:**

این عبارت را در کجا آورده است؟!!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

عزیز من «امام شافعی» جزو رئیس مذاهب اربعه هست یا نیست؟!

**بیننده:**

من عرض کردم در کجا نامی از «شافعی» یا «حنبلی» یا «مالکی» یا احمد» برده است؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقای احمدی من که آن مطلب را برای تو آوردم و می‌گویی آن روایت را نمی‌خواهم و این روایت را می‌خواهم. آقای بزرگوار زمانی که کسی ادعا می‌کند من مذاهب اهل سنت را قبول ندارم و در جای دیگری ادعا می‌کند من مذهب شافعی، مالکی و حنفی را قبول ندارم.

«ابن تیمیه» در جایی این مسئله را به صورت کلی تعیین می‌کند و در جای دیگری مصداق معین می‌کند. شما چندین حرف او را کنار هم بگذار بعد مشاهده می‌کنی که ایشان چه حرفی می‌زند.

شما می‌خواهید نظر ایشان را در مورد مذهب شافعی بدانید. بنده خدمت حضرتعالی عرض می‌کنم که ایشان در رابطه با شافعی‌ها چه مطلبی بیان می‌کند. در کتاب «مجموع فتاوی» جلد چهارم وارد شده است: هرکسی بگوید من شافعی‌الشرع و اشعری‌الاعتقاد هستم، ما می‌گوییم که تو مرتد هستی.

**بیننده:**

کسی که شافعی باشد اشعری نیست.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شما در حال حاضر در فقه شافعی هستید و از نظر گرایش کلامی به اشعری معتقد هستید.

**بیننده:**



حاج آقا او گفته شافعی و منظور او این است که شافعی یعنی مقید به اصل دین نبوده است. در صورتی که اصل دین اعمال شود ما شافعی‌ها اصل دین خود را از اشعری نمی‌گیریم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شما از نظر گرایش کلامی اشعری، معتزلی یا ماتریدی هستید؟!؟

**بیننده:**

ما از نظر اصل دین شافعی هستیم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شما فقه خود را از شافعی گرفتید، کلام خود را از چه کسی گرفتید؟!؟

**بیننده:**

ما اصل دین خود را از شافعی‌ها می‌گیریم. او می‌گوید: کسی کافر است که اصل دین خود را از اشعری بگیرد، اما ما اصل دین خود را از اشعری نمی‌گیریم.

**مجری:**

آقای احمدی خود شما اعتقادات خودتان را نمی‌دانید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقای بزرگوار شما خودتان اعتقادات خودتان را ندارید. در حال حاضر آقای «طیب» را آوردیم که ایشان هم شافعی هستند. ایشان گفتند: تمام الأزهر در کلام اشعری هستیم.

به طور کلی اهل سنت سه مذهب کلامی دارد؛ دسته اول معتزله هستند که اعتزال منقرض شده است و از میان رفته است. شافعی‌های امروزه یا اشعری هستند و یا ماتریدی هستند.

شما باید مشخص کنید که از نظر مسائل کلامی آیا گرایش به اشعری دارید یا ماتریدی دارید؟! شما از نظر فقهی شافعی هستید، اما از نظر کلامی و اعتقادی شافعی نیستید؛ زیرا شافعی مباحث کلامی مطرح نکرده است و کتاب کلامی ندارد.

شما در مباحث کلامی یا باید سراغ «واصل بن عطاء» بنیانگذار معتزله و یا «ابو الحسن اشعری» بنیانگذار اشاعره و یا به سراغ آقای «ماتریدی» بروید. شما باید یکی از این مذاهب را انتخاب کنید.

**بیننده:**

اشعری چه سالی آمده است؟!

**مجری:**

آقای احمدی فقه شما از شافعی است، اما کلام و اعتقادات شما مشخص نیست. شما از علمای خودتان بپرس که ما از نظر کلام و اعتقادات پیرو کدام گروه هستیم. شما اول اعتقادات خود را یاد بگیر و انگار هنوز هم این مسئله را نمی‌دانید.

این مسئله بسیار روشن است. شما اول کلام و اعتقادات خود را بپرس و زمانی که به اطمینان رسیدید باز هم بیایید ما در خدمت شما هستیم. شما می‌توانید همین جا تماس بگیرید و سؤالات خود را بپرسید. از شما ممنونیم، خدانگهدار شما باشد.

استاد سؤال کوتاهی هست که پاسخ بدهید، زیرا دوستان می‌گویند که وقت ما تمام شده است و اصلاً فرصت نداریم.

## رسوایی دیگر برای شبکه های وهابی!!

یکی از بینندگان برای ما پیام فرستادند و گفتند: "استاد هفته گذشته مطالبی را از «مولانا محمد عمر سربازی» در رابطه با «محمد بن عبدالوهاب» مطرح کردند. این در حالی است که در یکی از شبکه‌های شیطانی گفتند: کتاب ایشان «شمشیر بران» از عقاید خود نسبت به وهابیت برگشته است." استاد توضیحی بفرمایید.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این مسائل از باب گمراه کردن مردم است. این مسئله همانند همین بیننده عزیز ماست که اصلاً نمی‌داند از نظر کلامی چه گرایشی دارد.

ایشان اصلاً نمی‌داند گرایش کلامی و فقهی چیست و تنها می‌گوید: ما دین خود را از «امام شافعی» گرفتیم.

«ابن تیمیه» می‌گوید: کسی که بگوید من شافعی هستم، گمراه، جاهل و کافر است و قتل او هم واجب است.

وقتی که ما این روایت را برای ایشان روشن می‌کنیم، می‌گویند که این روایت جواب من نیست و من آن روایت دیگر را می‌خواهم. زمانی که آن روایت را برای ایشان می‌آوریم، می‌گویند که از کجا معلوم ایشان کلمه شافعی را گفته باشد.

این در حالی است که وقتی نظر «ابن تیمیه» نسبت به مذهب شافعی را می‌آوریم می‌گوید: «امام شافعی» که اشعری نبوده است.

شما یک نفر شافعی به ما نشان بدهید که از نظر فقهی شافعی است، اما از نظر کلامی اشعری نباشد. شافعی‌ها یا اشعری هستند و یا ماتریدی هستند؛ اما ۹۰ درصد شافعی‌های ما در مباحث کلامی تابع «ابوالحسن اشعری» هستند.

بنابراین کارشناسان وهابی هم ادعا می‌کنند که «ملاً محمد عمر سربازی» در کتاب «فتاویٰ منبع العلوم» نسبت به «محمد بن عبدالوهاب» حرف‌هایی زده است که در کتاب «شمشیر برّان» منکر آن شده است.

دوستان عزیز کتاب «فتاویٰ منبع العلوم» را مشاهده کنید که مفتی بزرگ فقیه عصر نویسنده آن است. این کتاب در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است، البته چاپ‌های بعدی هم در «پرسش و پاسخ ارزش‌های ارجمند» در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

این در حالی است که کتاب «شمشیر برّان بر اشراک و بدعات دوران» در تاریخ ۲ شعبان المعظم ۱۳۹۸ یعنی حدود ۴۰ سال قبل به چاپ رسیده است!!

کتاب «شمشیر برّان» حدود ۴۰ سال قبل چاپ شده است، اما کتاب «فتاویٰ منبع العلوم» حدود ۱۲ سال قبل به چاپ رسیده است. همچنین کتابی که ما از آن نقل کردیم مربوط به ۶ سال قبل است.

ایشان در کتاب «شمشیر برّان» مطالبی گفته است، اما زمانی که مطالعه و تحقیق و بررسی انجام داده مشاهده کرده است که مذهب وهابیت مذهب فاسدی است.

البته این شخص نسبت به شیعه هم مطالبی بیان کرده است، اما نظر اخیر یک فقیه نظر معتبر است. جالب اینجاست که کتاب «شمشیر برّان» اصلاً در ایران به چاپ نرسیده است.

اگر شما زندگینامه و سرگذشت حضرت مولانا «محمد عمر سربازی» را مطالعه کنید، در این کتاب که در سال ۱۳۹۳ حدود ۲ سال قبل به چاپ رسیده وارد شده است: "شمشیر برّان» در ۲۶۳ صفحه اولین بار در سال

۱۳۹۸ هجری قمری چاپ شده است و تاکنون به چاپ ایران نرسیده است."

ما نمی‌دانیم منظور آقایان از ادعاهایی که به این صورت مطرح می‌کنند، چیست. با وجود اینکه وقت گذشته است ما سال قمری را به شمسی تبدیل می‌کنیم تا دوستان بدانند این کتاب حدود چند سال پیش به چاپ رسیده است.

مشاهده کنید که کتاب «شمشیر بزّان» در ۲۱ آذر ماه ۱۳۵۶ هجری شمسی به چاپ رسیده است و کتاب «فتاوی منبع العلوم» در سال ۱۳۸۳ هجری شمسی به چاپ رسیده است و چاپ جدید آن در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی به چاپ رسیده است.

آیا وهابیت احساس نمی‌کنند که با این حرف‌های بی‌اساس رسوا خواهند شد؟! حداقل شناسنامه کتاب «شمشیر بزّان» را مطالعه کنند تا این چنین رسوا نشوند.

وهابیت ادعا می‌کنند که «ملاً محمد عمر سربازی» تمام عقاید خود را در کتاب «شمشیر بزّان» باطل کرده است و می‌گوید عقیده من چنین نیست!!

طبق حرف وهابیت «ملاً محمد عمر سربازی» در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۸۳ حرفی زده است و به تاریخ به عقب برگشته و او در سال ۱۳۵۶ حرف خود را نقض کرده است. یک رسوایی دیگر به رسوایی شبکه‌های شیطانی اضافه شد!!

### مجری:

ممنونیم از این بیننده عزیز که این پیام را فرستادند و به این واسطه سبب خیر شدند. به این واسطه بر نکاتی که استاد در هفته‌های گذشته مطرح کردند مهر تأیید زده شود. معلوم است که کارشناسان شبکه‌های شیطانی حرفی برای گفتن ندارند.

از توجه و عنایات همه شما دوستان خوب بیننده ممنونم. استاد خیلی فرصت کم است، چند دعا بفرمایید که حسن ختام برنامه امشب ما باشد.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم نزدیک بگردان، همه ما را از یاران ویژه آن بزرگوار قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما، حوائج حاجت مندان روا فرما. حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً حوائج عزیزان ولایت یاور برآورده نما.

خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان. هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین و مخصوصاً شهدای جان بر کف حادثه پلاسکو بهترین درود و صلوات را بفرستیم.

ان‌شاءالله فردا تشییع جنازه این عزیزان ما است. مردم ما با حضور پرشکوهشان این عزیزان را طوری تشییع جنازه کنند تا در تاریخ این عزیزان و این فداکاران و جان بر کفانی که خود را به آتش می‌زنند تا دیگران گرفتار آتش نشوند باقی بماند.

هدیه به ارواح پاک تمام این شهیدان بهترین و خالص‌ترین صلوات بر محمد و آل محمد بفرستید.

### مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از توجه و عنایات شما دوستان خوب بیننده خیلی ممنونم. همان‌طور که استاد فرمودند مردم تهران مثل همیشه باشکوه در این مراسم شرکت خواهند کرد و یک روز به یاد ماندنی را در تاریخ رقم خواهند زد.

خیلی ممنونم از توجه و عنایت شما، الهی عاقبت به خیر شوید. در پناه حضرت حق و زیر سایه حضرت مرتضی

علی باشید.

یا علی مدد، خدانگهدار